

در پی مقالات شماره‌های قبل در زمینه فرهنگ کار، تحت عناوین: تأثیر مدیریت کار در شکوفائی فرهنگ کار، عوامل مؤثر در رشد فرهنگ کار و ایجاد انگیزه برای تلاش بیشتر، و نقش مدیر در مدیریت کار و عملکرد و ارتقاء فرهنگ کار، این مقاله پژوهشی که موضوع آن بسیار ارزشمند است، تقدیم علاقمندان می‌شود.

از: عبدالرضا نظری زاده کرمانی - مدرس دانشگاه

سیاست ارزشی کار در اسلام



از آنجا که قرآن کریم و سنت دومنبع اصلی استنباط ارزشها و احکام اسلامی است یافتن پاسخ سئوالات زیر درپرتو قرآن مجید و احادیث شریف، گامی درجهت تبیین سیاست ارزشی کاردراسلام خواهد بود.

سئوال اول - چه کلماتی در قرآن کریم و سخنان پیشوایان دینی بیان کننده کار و تلاش می‌باشند؟

سئوال دوم - چه رابطه‌ای بین کار و تلاش با ایمان و تمهد وجود دارد؟

سئوال سوم - چه رابطه‌ای بین کار و تلاش با علم و تخصص وجود دارد؟

سئوال چهارم - اهمیت و ارزش کار و کارگر در اسلام چه اندازه است؟

قبل از هر چیز باید متذکر شد که در این پژوهش هرگز آیه مبارکه‌ای یا حدیث شریفی تفسیر نشده بلکه صرفاً استنباط فردی لحاظ گردیده است.

۱ - کار و تلاش در قرآن کریم و سخنان پیشوایان دین

در پاسخ به سئوال اول باید اظهار نمود که کلمات زیر در قرآن و سخنان پیشوایان گویای کار و تلاش هستند.

عمل = کار - کردار - فعل
کسب = روزی جستن - تحصیل رزق کردن - حاصل کردن - شغل - پیشه
سعی = کوشیدن - کارکردن - عمل کردن - کوشش - اهتمام

صنع = ساختن - آفریدن - آفرینش - ابداع
جهد = کوشیدن - رنج بردن - کوشش - سعی
فعل = انجام دادن - کاری کردن - عمل - کار - کردار

شغل = کار - پیشه - حرفه
کدح = کوشیدن بارنج - تلاش بارنج - کار با زحمت

دریاباره کاربرد و مواضع کلمات مذکور باید مختصراً به موارد ذیل توجه داشت.

کلمه - عمل - و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۶۶ مرتبه آمده است، از جمله در آیات ذیل:

الف - سوره آل عمران (۳) آیه مبارکه ۱۹۵
 فاستجاب لهم ربهم انی لا اضعی عمل عامل منکم من ذکر او انسی

«البته من که پروردگارم عمل هیچ کس از مرد و زن را ضایع نمی‌گذارم».

توضیح: تضمین بهدردنرفتن و ناچیزنشدن کار و تلاش.

ربنا و اتنا و عدتنا علی رسلک فاستجاب لهم

ب - سوره فصلت (۴۱) - آیه مبارکه ۴۶
 «من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعليها و
 ما ريك بظلام للعبيد»

هرکس کار نیکی کند بر نفع خود و هر که بد
 کند به ضرر خویش است و خدا هرگز بر بندگان
 خود ستم نخواهد کرد:

توضیح: بین کار شایسته و صحیح و کامل و
 کار ناصحیح و ناکامل تفاوت بسیار است (به زبان
 امروز استاندارد)

کلمه - کسب - و مشتقات آن در قرآن کریم
 ۶۶ مرتبه آمده از جمله در آیات ذیل:

الف - سوره مدثر (۷۴) آیه مبارکه ۳۸
 - کل نفس بما کسبت رهینه

«هر نفس در گرو عملی است (کاری است)
 که انجام داده است».

توضیح: هرکس مدیون کار خود است.

ب - سوره جاثیه (۴۵) - آیه مبارکه ۲۲

- و خلق الله السموات و الارض بالحق
 و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون
 «و خداوند آسمان و زمین را به حق آفریده
 است و عاقبت هر نفس بی هیچ ستمی پاداش هر
 عملی که کرده است خواهد یافت».

توضیح: خلقت آسمان و زمین برای آن است
 (یکی از علل) تا هر کسی برابر کاری که کرده
 پاداش ببیند.

کلمه - سعی - و مشتقات آن در قرآن کریم ۳۰
 مرتبه آمده از جمله در آیات ذیل:

الف - سوره نجم (۵۳) - آیه مبارکه ۳۹

- و ان لیس للانسان الا ما سعی
 «و اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی خود
 انجام داده ثوابی نخواهد بود».

توضیح: پاداش برای هر فرد جز آنچه خود
 تلاش و کار کرده نخواهد بود.

ب - سوره نجم (۵۳) - آیه مبارکه ۴۰

- و ان سعی سوف یری
 «انسان پاداش سعی و عمل خود را (در دنیا)
 به زودی خواهد دید».

کلمه - صنع - و مشتقات آن در قرآن کریم ۲۰
 مرتبه آمده، از جمله آیات ذیل:

الف - سوره نور (۲۴) - آیه مبارکه ۳۰

- ان الله خبیر بما یصنعون
 «البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است».

ب - سوره عنکبوت (۲۹) آیه مبارکه ۴۵

- والله یعلم ما تصنعون
 «و خدا به هر چه کنید آگاه است».

کلمه - جهد - و مشتقات آن در قرآن کریم ۴۱
 مرتبه آمده از جمله آیات ذیل

الف - سوره عنکبوت (۲۹) - آیه مبارکه ۶
 - و من جاهد فانما یجاهد لنفسه ان الله لکنی
 عن العالمین

«و هر که جهد و کوشش کند به سود خود
 اوست که خدا البته بی نیاز است».

ب - سوره عنکبوت (۲۹) - آیه مبارکه ۸

- و وصینا الانسان بوالدیه حسناً و ان
 جاهداک لتشکر بی مالیس لک به علم فلا تطعهما
 الی مرجعکم فانیکم بما کنتم تعملون

«و انسان را بفرمودیم که به پدر و مادر نیکی
 کند و اگر آن دو بکوشند تا تو شریکی برای من
 بگیری - ایشان را فرمانبرداری مکن. بازگشت
 شما به سوی من است و آگاه کنم شما را بدان چه
 می کردید».

کلمه - فعل - و مشتقات آن در قرآن کریم
 ۱۰۷ مرتبه آمده از جمله آیات مبارکه ذیل:

الف - سوره زمر (۳۹) - آیه مبارک ۷۰

- و وفیت کل نفس ما عملت و هو اعلم
 بما یفعلون

و هرکس به پاداش عملش تمام برسد و خدا
 از هرکس به افعال نیک و بد آگاه تر است».

توضیح: مزد و اجر هرکس برابر کردارش به
 تمامی ادا شود.

ب - سوره انفطار (۸۲) - آیه مبارکه ۱۰ و ۱۱
 و ۱۲

- و ان علیکم لحافظین - کراماً کتابین -
 یعلمون ما تفعلون

«البته بر شما نگاهبانانی هستند -
 نویسندگانی گران قدر - می دانند آنچه کار می کنید».

توضیح: اطمینان و یقین بر اینکه هرگونه
 عملی توسط نویسندگان ثبت و نوشته می شود.

کلمه - شغل - و مشتقات آن ۲۲ مرتبه در قرآن
 کریم آمده از جمله آیه مبارکه ذیل:

سوره یس (۳۶) - آیه مبارکه ۵۵

- ان اصحاب الجنة الیوم فی شغل فاکهون
 «البته اهل بهشت در آن روز به وجد و نشاط
 مشغولند».

توضیح: ارتباط شغل و شادمانی و خرمی و
 خرسندی.

کلمه - کدح - و مشتقات آن ۲ مرتبه در قرآن
 کریم آمده، از جمله آیه مبارکه ذیل:

سوره انشقاق (۸۴) - آیه مبارکه ۶

- یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً
 فملاقیه

«ای انسان البته باهر رنج و مشقت در راه
 اطاعت و عبادت بکوشی عاقبت حضور پروردگار
 خود می روی (وبه مرگ) نائل به ملاقات او
 می شوی».

- کار صالح و صحیح و سالم

و کامل، کاری خدائی

است که عاقبتی توأم

با پیروزی و سربلندی دارد

و از غیبهای الهی است، مشروط

بر اینکه صبر

و تقوای کار داشته باشیم.

- کارگر غیر ماهر و غیر عالم

بدون آنکه خودش

متوجه باشد با گذشت

زمان و به مرور تبدیل

به عامل عقب ماندگی کشور می شود.

توضیح: رابطه کاربرزحمت و ملاقات پروردگار.

- رابطه تلاش با رنج و پاداش نیکوی خداوند.

- قطعی بودن پاداش و اجر کار.

قابل ذکر است که تمام کلمات مذکور در روایات منقول از پیشوایان و ائمه اطهار علیهم السلام نیز آمده است - همچنین باید توجه داشت که کلمات مذکور و مشتقات آنها جمعاً ۶۴۴ مرتبه در قرآن کریم آمده است.

۲- رابطه کار و تلاش با ایمان و تعهد

در سوال دوم عنوان شده است، چه رابطه‌ای بین کار و تلاش با ایمان و تعهد وجود دارد؟ با کمی دقت در آیات قرآن کریم و روایات شریفه متوجه می‌شویم که در تمام آیات و روایات رابطه‌ای عمیق بین ایمان و کار وجود دارد، با این شرط که کار خوب، شایسته و سالم باشد نه کار غلط و ناشایسته و ناسالم و ناقص.

به عنوان نمونه اگر در سراسر قرآن کریم به آیاتی که کلمه «صالحات» را دارند مراجعه شود ملاحظه خواهد شد که از ۶۲ آیه مبارکه‌ای که کلمه «صالحات» را دارند فقط ۳ مرتبه این کلمه بدون قید کلمه «ایمان» به کار رفته آن هم مربوط به «باقیات الصالحات» و «فالصالحات قانات حافظات» است و در بقیه آیات یعنی در ۵۹ آیه کلمه «صالحات» مترادف با «ایمان» آمده است.

اگر کمی بیشتر در آیات مربوط به «عمل صالح» دقت شود نه تنها همراه با «ایمان» آمده است بلکه بیان کننده اصولی از حیات بشریت و تکامل رانسان می‌دهد. لطفاً به موارد زیر توجه فرمائید:

الف - سوره نساء (۴) - آیه مبارکه ۱۲۴

- ومن يعمل من الصالحات من ذکرا و انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنة ولا یظلمون تقیرا «و هر کس کاری شایسته کند چه زن و چه مرد او مومن است به بهشت ابدی درآید و به قدر تقیری (که پرده هسته خرماسست) به کسی ستم نمی‌شود». در این آیه چند اصل وجود دارد:

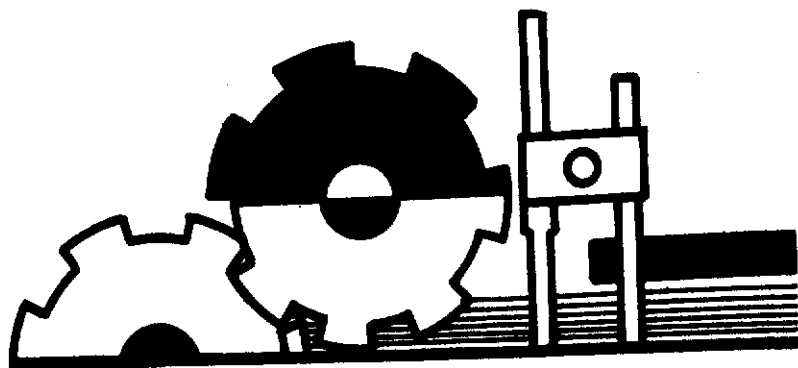
۱ - کار و تلاش صحیح انجام دادن با داشتن ایمان تضمین کننده عاقبت به خیری است.

۲ - در رابطه با پاداش و جبران عمل کمترین ستم نمی‌شود.

ب - سوره رعد (۱۳) - آیه مبارکه ۲۹

- الذین امنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن ماب

«کسانی که ایمان آورده‌اند و به کار نیکو پرداختند خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها».



این آیه تضمین کننده این است که:

(۱) خوشی زندگی منوط به کار خوب و عمل شایسته است.

(۲) عاقبت به خیری منوط به کار و تلاش صحیح و نیکو است.

(۳) شرط لازم و کافی برای خوشی زندگی و عاقبت به خیری - ایمان و عمل نیکو و کامل است.

ج - سوره کهف (۱۸) - آیه مبارکه ۳۰

- ان الذین امنوا و عملوا الصالحات انما لانضیع اجر من احسن عملا

«البته کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، بدانند که ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد».

این آیه مبارکه گویای اصول زیر است:

(۱) تضمین عمل نیکو و کار صحیح و کار خوب و کامل (تضمین اصالت کار)

(۲) تضمین اجر و مزد عمل و کار نیکو

اصولی که از دو آیه فوق استنباط می‌گردد.
(۱) قرآن درست‌ترین آئین را عمل نیکو و ایمان می‌داند.

(۲) عاری بودن قرآن از انحراف، بر حذر کردن مردم از خشم خدا و خشم خدا چیست؟
(۳) بشارت به مؤمنینی که کار نیکو و کامل می‌کنند.

(۴) رابطه مستقیم ایمان و کار نیکو.

(۵) تحقق حتمی اجر و مزد.

(۶) اجر و مزد بزرگ و نیکو.

ه - سوره نور (۲۴) - آیه ۵۵

- و عدالله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم

«خدا به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و کارهای نیکو و صحیح و کامل کرده‌اند وعده داده که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند. هم‌چنان که مردمی را که پیش از آنها بودند

- شاید در هیچکدام از ادیان و مکاتب الهی و غیر الهی به اندازه اسلام پاداش برای کار و کارگر خوب در نظر گرفته نشده است.

جانشین دیگران کرده».

اصولی که از آیه مبارکه فوق می‌توان فهمید عبارتند از:

(۱) مومنین کارکن و عمل نیکوکن خلیفه او روی زمین می‌شوند.

(۲) تضمین این جانشینی شخص خداوند است (و خدا وعده می‌دهد)

(۳) دوشاخه مهم قدرتمند و عزتمند شدن در زمین، داشتن تعهد و ایمان و کار و تلاش سالم است.

(۴) ایمان به تنهایی و یا کار و تلاش تنها لیاقت جانشینی خدادادی زمین را به دست نمی‌دهد.

برای اینکه در پاسخ این سوال از احادیث شریفه نیز بهره‌مند شده باشیم فقط به ذکر چند

د - سوره اسراء (۱۷) - آیه مبارکه ۹ - و سوره کهف (۱۸) - آیه مبارکه ۲

- و یشرا المومنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا

باشروع (ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم)

- و یشرا المومنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا

باشروع (فیما لینذربا سادیدا من لدنه) «و مومنانی را که کارهای شایسته به جای می‌آورند بشارت می‌دهد از مزدی بزرگ (نیکو)

برخوردار خواهند شد».

فرازا اول آیه اول - «این قرآن به درست‌ترین

آئین‌ها راه می‌نماید» و فرازا اول آیه دوم - «کتابی عاری از انحراف، نامردم را از خشم شدید خود بترساند» و

حدیث از حضرت امیرالمومنین علیه السلام
اکتفا می‌شود.

الف - غررالحکم جلد اول - صفحه ۱۱۲ -
حدیث ۴۰۸

- العمل شعار المومن

«عمل شعار مؤمن است».

توضیح: (۱) عمل و کارتابلوی انسان مؤمن
است.

(۲) عمل و کار تابلوی درجه و مرتبه‌ی
ایمان است.

ب - غررالحکم جلد اول - صفحه ۶۱ -
حدیث ۲۲۹

- المؤمن بعلمه.

«همه مؤمن به عمل او است».

توضیح: (۱) آدم مؤمن از بیکاری دوری
می‌کند.

(۲) اعتبار مؤمن به عمل صالح است.

(۳) هرکه عمل صالح او بیشتر است ایمان او
کامل تر است.

(۴) داستان فردی که فقط مشغول عبادت
بود و دیگران خرج او را می‌دادند.

ج - غررالحکم جلد اول - صفحه ۳۲۱ -
حدیث ۱۲۲۳

- الذین ذخر والعمل دلیل

«دین ذخیره است و عمل دلیل».

توضیح:

(۱) کار دلیل دین داری است.

(۲) دین ذخیره است (چه دینی؟ با چه
شرایطی؟)

۳- رابطه بین کار و تلاش با علم و تخصص

در سوال سوم مطرح شده بود: چه رابطه‌ای
بین کار و تلاش با علم و تخصص وجود دارد؟

برای یافتن پاسخ این سوال نیز به قرآن کریم و
فرمایشات، پیشوایان علیهم السلام مراجعه
می‌کنیم.

در قرآن کریم در یک مقایسه‌ی بسیار جالب فرد
بینا و بصیر را هم‌تراز با فرد مؤمن و محسن و فرد
نفهم و کوربین را هم‌شان فرد مستی قرار داده
است و این زیبایی‌ترین تعبیر جهت روشن شدن
رابطه تخصص و معرفت و شناخت و بصیرت و
آشنایی علمی با کارشایسته و صحیح و خوب
است. لطفاً به آیه مبارکه ذیل دقت کنید:

سوره مومن (غافر) (۴۰) - آیه ۵۸

- وما یستوی الا عمی و البصیر والذین امنوا
وعملوا الصالحات و لا المسئی قلیلاً ما تتذکرون.

«البته نابینا و بینا برابر نیستند. نیز آنهایی که ایمان
به خدا آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند

- اگر در جوامعی پاداش کارگر به

اندازه تلاش او داده نشود، آن جامعه

فاقد کار و تلاش صادقانه می‌شود.

- کار و علم دو اصل مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند.

- قال رب انی اعوذبک ان اسئلك مالیس لی
به علم والا تغفرلی و ترجمنی اکن من الخاسرین.

«گفت: ای پروردگار من، پناه می‌برم به تو اگر از
سر ناآگاهی چیزی بخواهم، و اگر مرا نیامیزی و به

من رحمت نیآوری از زبان کاران خواهم بود».

- قیل یا نوح اهبط بسلام منا و برکات علیک
و علی امم ممتن معک - و امم سئمتهم شم
یمسهم منا عذاب الیم.

«به نوح خطاب شد که در کشتی فرود آی که
سلام و برکات و رحمت ما بر تو باد و برآمت و

قیابلی که همیشه با تو و تابع امر تواند. و امتیابی
که خودسر و ستمگر شوند و پس از آنکه از دنیا

بهره‌ای به آنها دهیم، آنان را به عذاب سخت
قیامت کیفر خواهم داد».

تلک من انباء الغیب نوحیها الیک ما کننت
تعلمها انت و لا قومک من قبل هذا فاصبر ان
العاقبة للمتقین.

«حکایت نوح از اخبار غیب است که پیش از
آنکه به تو وحی کنیم تو و قومت از آن آگاه نبودید

پس تو در طاعت حق راه صبر پیش‌گیر که عاقبت
اهل تقوانیکوست».

همانطور که در متن آیات فوق اشاره گردید:
یک عمل غیر صالح و یک تلاش و کار ناصحیح و

ناسالم اتفاق افتاده و این کار ناقص و ناسالم از
روی عدم علم و تخصص در قضیه بوده است.

این کار و تلاش و کوشش ناصالح، این عمل
ناسالم و ناصحیح و ناقص به دو صورت تعبیر
می‌شود یکی اینکه مربوط به کنعان می‌باشد و

دوم مربوط به حضرت نوح است.

الف - در مورد کنعان فرزند حضرت نوح،
موارد زیر مورد توجه است.

(۱) ذات کنعان غیر صالح شده - مثلاً
می‌گوئیم فلانی سراپا عدل است یا می‌گوئیم
فلانی سراپا دزدی و فساد است.

که این دوائر همکاری با بدکاران بوده (پسر
نوح با بدان بنشست - خاندان نبوتش گم شد).

(۲) عمل غیر صالح کنعان را از اهلیت
انداخت.

(۳) کنعان فرزند حقیقی نوح نبوده.

بازشت کاران یکسان نباشند. چه اندک پند
می‌پذیرند».

هر چند می‌خواستیم در رابطه با پرسش سوم و
تبیین چگونگی رابطه‌ی کار با علم و کوشش

با تخصص فقط از یک آیه رهنمود بگیریم ولی
حیف است که در رابطه با جریان طوفان نوح و

زیبائی بیان الهی جهت روشن کردن رابطه‌ی
دقیق علم و کار درست و صحیح مطلبی
ذکر نشود.

در داستان نوح آمده است: پس از اینکه
حضرت نوح سالها مردم را از بت‌پرستی به

خدایپرستی دعوت کرد و مردم و قوم آن زمان
توجهی به راهنماییها و ارشادات پیامبر خدا

نکردند؛ بلا و طوفان دامن‌گیر آنان شد (البته عده
قلیلی به حضرت نوح ایمان آوردند). وقتی آب

همه جا را فرا گرفت و کافران (حق‌پوشان) و
ناصالحان (بدکاران) در غرقاب قرار گرفتند، بین

حضرت نوح و خداوند متعال مکالمه و
صحبت‌هایی رد و بدل گردیده که خیلی مهم و

قابل توجه است و اگر بخواهیم در رابطه با علم و
کار از این گفتگوی زیبا پرتوی بگیریم باید به این

گفتگو دقت و توجه خاص نمود. البته برای
گفتگو تفسیر نمی‌شود، بلکه فقط و فقط استنباط
بیان می‌شود.

- سوره هود (۱۱) - آیات مبارکه ۴۵ - ۴۶ -
۴۷ - ۴۸ - ۴۹

- ونادی نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی
وان وعدک الحق وانت احکم الحاکمین

«نوح پروردگارش راندا داد: ای پروردگار من،
پسرم از خاندان من بود و البته وعده تو حق است
و نیرومندترین حکم‌کنندگان توهستی».

- قال یا نوح انه لیس من اهلیک - انه عمل
غیر صالح - فلانستلن مالیس لک به علم انی
اعطک ان تکون من الجاهلین.

«گفت: ای نوح، او از اهل تو نیست، او عملی است
ناصالح و پس تو از من تقاضای امری که هیچ از
حال آن آگه نیستی مکن، شفاعت ناهلان را

رهاکن. من تو را پند می‌دهم نصیحت بشنو از
مردم جاهل مباش».

حضرت رضا علیه السلام از دوستان خود سؤال کردند، مردم این آیه را «انه عمل غیر صالح» چگونه تفسیر می کنند، یکی از حاضران عرض کرد بعضی معتقدند که معنی آن این است که کنعان فرزند حقیقی او نبود.

امام فرمود: کلا لقد کان ابنه و لکن لما عصی الله نفاه عن ابیه کذا من کان مثالم یطع الله فلیس متاً.

«نه چنین نیست اوبه راستی فرزند نوح بود اما هنگامی عصیان خدا کرد و عمل ناصالح انجام داد خداوند فرزندی او را نفی کرد. هم چنین کسانی که از ما باشند ولی اطاعت خدا نکنند، از ما نیستند.»

در همین جا دو مثال را یادآوری می کنم:

اول - بچه های آلمانی پیرمردی را که کنار خیابان نشسته بود اذیت می کردند. از آنها پرسیدند چرا اذیت می کنید؟ جواب دادند او آلمانی نیست! وقتی از آن پیرمرد سؤال شد گفت نه تنها آلمانی هستم بلکه در دو جنگ جهانی هم شرکت کرده ام. هنگامی که به بچه ها گفته شد که این مرد آلمانی است در پاسخ گفته بودند - نه او آلمانی نیست. زیرا اگر آلمانی بود کار می کرد.

دوم - زاپنی ها در هنگام تشویق و اظهار محبت به یکدیگر می گویند پرکار باشید.

(۴) کنعان نسبت به کشتی سازی که کاری صالح بود، هرگز سکوت نکرده بلکه مانند سایر مخالفان نهایت کارهای تخریبی از جمله تمسخر را انجام داده است (کار ناصالح). اگر این استنباط

را بپذیریم با توجه به آیه ۳۷ که خداوند چگونگی ساختن کشتی را بیان می فرماید (واصنع الفلک با عیننا و وحینا ولا تخاطبونی فی الذین ظلموا انهم مفرقون) «کشتی را زیر نظر و الهام ما بساز و درباره این ستمکاران که باید غرق شوند بنا من سخن مگوی.»

کار سالم و صحیح، کامل (استاندارد) و صالح کار و تلاشی است که ناظر و کمک کننده آن ذات اقدس احدیت می باشد. و متقابلاً کار ناسالم، غلط، ناقص و ناصالح (غیراستاندارد) کار و تلاشی است غیر الهی و ناظر و کمک کننده آن شیطان می باشد.

ب - در مورد حضرت نوح علیه السلام: اگر اظهار شود کار و خواست حضرت نوح دچار نقص و اشکال بوده باید گفت:

(۱) قبول مجازات برای فرزند کافر و بدعمل، عمل صالح است.

(۲) نجات و جلوگیری از مجازات فرزند کافر و بدعمل، عمل غیر صالح است.

(۳) اینکه بدون علم و بدون تخصص و آگاهی حرفی بیان شود و کاری انجام گیرد، آن تلاش و کار و حرف، عملی غیر صالح است.

(۴) درآیه بعد، حضرت نوح (ص) ضمن عذرخواهی و طلب مغفرت کردن به نداشتن علم این قضیه اعتراف می کند.

(۵) درآیه بعد (۴۸) به خاطر انجام ندادن این عمل غیر صالح و ناسالم و متقابلاً به خاطر انجام دادن عمل صالح و کاری صحیح و سالم

سلامت و برکات به نوح و جامعه ی نوح می رسد.

ج - یک نتیجه کلی دیگری نیز از مجموعه آیات ۴۵ تا ۴۹ قابل استنباط می باشد و آن اینکه: کار صالح و صحیح و سالم و کامل، کاری خدائی است که عاقبتی توأم با پیروزی و سربلندی دارد و از غیبهای الهی است مشروط بر اینکه صبر و تقوای کار داشته باشیم.

از میان سخنان پیشوایان (ع) به چند حدیث اشاره می گردد تا در تبیین و روشن شدن پاسخ سؤال سوم و یافتن اصول و رابطه کار با علم و تخصص کمک کند.

کتاب الحدیث - جلد ۲ - صفحه ۱۰۷

قال رسول الله (ص) = من عمل علی غیر علم کان مایفسد اکثر مما یصلح

«کسی که کارش بر پایه علم و شناخت استوار نباشد، زیان و فساد عملش بیشتر از خیر و مصلحت است.»

توضیح: (۱) کار و تلاش بدون علم فاسد است.

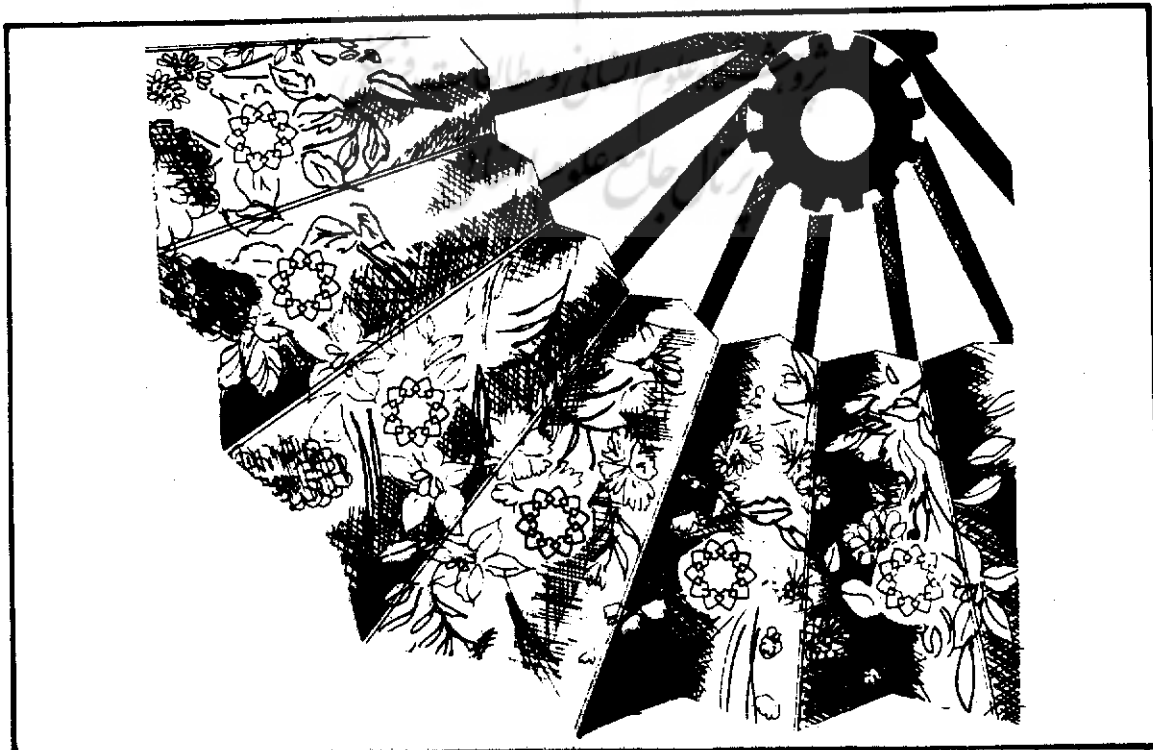
(۲) فساد کار و تلاش بدون تخصص بیشتر از نیکی آن است.

(۳) کار و تلاش با علم و تخصص یک عمل صالح می باشد.

ب - کتاب الحدیث - جلد ۲ - صفحه ۱۰۷

قال علی علیه السلام: یا کمیل: مامن حركة الاوانت محتاج فیها الی معرفة.

«ای کمیل: هیچ فعالیت و کاری نیست



زاینی‌ها هنگام تشویق و اظهار محبت به یکدیگر می‌گویند پرکار باشید.

مگر آنکه در انجام آن به علم و معرفت نیازمندی»
توضیح: (۱) کار و تخصص لازم و ملزوم یکدیگرند.

(۲) نیاز و احتیاج اصلی هرکار و تلاشی، تخصص و شناخت آن کار است.

ج - کتاب الحدیث - جلد ۲ - صفحه ۳۳۴
قال امام صادق علیه السلام = العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیده سرعة السیر الا بعداً

«کسی که بدون بصیرت و دانائی، به کاری دست می‌زند مانند مسافری است که در پیمانه می‌رود. او هر قدر بر سرعت خود می‌افزاید به همان نسبت از جاده دورتر می‌شود.»

توضیح:

(۱) کار و تخصص - تلاش و آگاهی مکمل یکدیگرند.

(۲) کارگر غیر ماهر مثل فردی است که راه اصلی را نمی‌داند.

(۳) کارگر غیر ماهر، هر چند بیشتر از اصل کار و حرفه فاصله می‌گیرد.

(۳) علم و تخصص بدون کار و تلاش نعمت نیست و اگر باشد نعمت ناقص است

(۴) کار و تلاش با علم و مهارت مکمل یکدیگرند، لازم و ملزوم یکدیگرند.

(۵) برای رسیدن به هدف کامل، باید کار و تلاش همراه با علم و مهارت باشد و الا به هدف نمی‌رسیم.

ج - قال رسول الله (ص) - رحم الله امرء عمل عملاً فاقته (صالحاً)

((خداوند رحمت کند کسی را که کاری را از روی دقت و محکم کاری انجام دهد)).

توضیح:

(۱) استاندارد عمل کردن باعث رحمت خداوند می‌شود

(۲) محکم‌کاری نکردن و از روی سهل‌انگاری کاری را انجام دادن باعث دوری از رحمت خداوند می‌شود.

۲- اهمیت و ارزش کار و کارگر در اسلام

سؤال چهارم عبارتست از: اهمیت و ارزش کار و کارگر در اسلام چه اندازه است؟ اینکه پاسخ سئوالات قبلی جواب این سؤال را هم روشن کرده معذالک برای روشن‌تر شدن پاسخ این سؤال و برای تبیین بهتر اهمیت و ارزش کار و کارگر در اسلام و برای بیان درجه و اندازه اهمیت و ارزشی که اسلام برای کار و کارگر قائل است باید چند مساله را مورد دقت و توجه قرار داد.

الف - نحوه برخورد پیشوایان علیهم السلام با کار و کارگر

ب - دیدگاه اسلام در مورد بازگشت و واکنش و عکس‌العمل و جبران کار و تلاش

ج - جبران و پاداش کار در اسلام چیست و انگیزه کار خوب چه می‌تواند باشد؟

الف - برای روشن‌شدن نحوه برخورد پیشوایان (ع) با کار و کارگر، به ذکر دو نمونه از زندگی حضرت پیامبر (ص) اکتفا می‌شود

نمونه اول = بسیار شنیده شده که در جریان جنگ خندق نبی اکرم (ص) به‌مانند سایر مسلمانان کار می‌کردند. موقعیت مدینه در آن زمان طوری بود که در سه طرف آن نخلستان و فقط قسمت شمال آن بدون درخت بود. لذا دشمن از شمال می‌توانست حمله کند و چون

کامل کاری و حفظ امانتی است که به او محول می‌شود (استاندارد عمل کردن).

(۴) کمترین بسی‌دقتی در کار که باعث غیراستاندارد شدن کالائی شود غیر درست‌کاری و خیانت است.

(۵) سومین اصل برای صاحب حرفه - و کارگر - داشتن حرمت کارفرما - داشتن رغبت و میل به کارفرما - داشتن رغبت و میل به محیط کار و صاحب کار است.

ه - شرح غرر - جلد ۲ - صفحه ۳۵۱ - حکمت ۴۷۰۸

- ثروة العاقل فی علمه و عمله.

«ثروت عاقل در علم و عمل اوست.»

توضیح: (۱) رابطه عاقل و عقل و علم و کار یک رابطه مستقیم است.

(۲) علم و کار، ثروت یک فرد است.

کمترین بی‌دقتی در کار که باعث غیر استاندارد شدن کالائی شود، غیر درست‌کاری و خیانت است.

(۳) نه علم و نه کار هیچ یک به تنهایی ثروت عاقل حساب نمی‌شوند.

(۴) نقطه مقابل عاقل، جاهل است که برابر حدیث و حکمت ۴۷۰۹ و در کلام حضرت امیر(ع) - ثروت جاهل در مال و آرزوی اوست - «ثروت الجاهل فی ماله وامله».

و - شرح غرر - جلد ۳ - صفحه ۱۰۷ - حدیث ۳۹۴۸

سأفة العلم ترک العمل به

«آفت علم ترک عمل به آن است.»

توضیح:

(۱) بلای نابودکننده علم کار نکردن است
(۲) کار و علم، دو اصل مکمل و لازم و ملزوم یکدیگرند.

ز - شرح غرر - جلد ۲ - صفحه ۱۲۱ - حکمت ۲۰۵۲

- العمل بالعلم من تمام النعمة

((عمل کردن به علم از تمامی نعمت است)).

توضیح:

(۱) وقتی نعمت تمام می‌شود که کار و تلاش با علم و مهارت باشد

(۲) کار بدون علم و مهارت نعمت نیست و یا اگر باشد نعمت ناقص است

(۴) کارگر غیر ماهر و غیر عالم بدون آنکه خودش متوجه باشد با گذشت زمان و به مرور تبدیل به عامل عقب‌افتادگی کشور می‌شود.

د - کتاب الحدیث - جلد ۳ - صفحه ۷
قال امام صادق علیه السلام = کل ذی صناعة مضطر الی ثلاث خصال یجتلب بها الکسب و هو ان یكون حاذقاً بعلمه - مؤدباً لآمانته فیه مستمیلاً لمن استعمله.

«هر صاحب حرفه و صنعتی ناچار باید دارای سه خصلت باشد تا بتواند به وسیله آن تحصیل کند. اول آنکه در رشته علمی خویش مهارت داشته باشد. دیگر آنکه با درستکاری و امانت رفتار کند. سوم آنکه با کارفرمایان حسن برخورد داشته باشد و نسبت به آنان ابراز تمایل نماید.»

توضیح:

(۱) هرکارگر و صاحب حرفه‌ای مضطر سه موضوع است. مضطر = درمانده - بدون چاره - نیاز از روی درماندگی.

(۲) اولین اصل برای یک کارگر و صاحب حرفه، داشتن تخصص و مهارت و علم آن حرفه است.

(۳) دومین اصل برای یک کارگر و صاحب حرفه، داشتن درستکاری و صحیح‌کاری و

برخلاف جنگ احد تصمیم گرفته شده بود در مدینه بمانند و دفاع کنند برحسب صلاحدید سلمان فارسی برای حفاظت شهر خندقی کردند. به نقل از کلیه مورخین رسول خدا (ص) شخصاً و بیش از سایرین کار کردند.

نمونه دوم = تجزیه و تحلیل و دقت در برخورد نبی اکرم (ص) با یکی از استقبالکنندگان که در برگشت از غزوه تبوک اتفاق افتاد از الگوها و نمونه‌های بارز ارزش‌گذاری به کار و کارگر می‌باشد.

در جنگ تبوک که آخرین نبردی بود که با حضور نبی اکرم (ص) انجام شده مسائل جالب و بااهمیتی اتفاق افتاده است که به طور خلاصه عبارتند از:

(۱) این جنگ به نوعی دومین جنگ مسلمانان با رومیان بود که در سال نهم هجرت اتفاق افتاد و آخرین جنگ نبی اکرم (ص) (۲) در جنگ اول (سریه) که تبوک بود، مسلمانان در عین اینکه توانستند قدرت ایمان و ایدئولوژی را برابر سلاح و تکنولوژی نشان دهند، عزیزانی را از دست دادند نظیر زیدبن حارثه - جعفر بن ابی طالب ... عده و عده دشمنان اسلام.

(۳) غزوه و سریه با هم تفاوت دارد (در غزوه شخص رسول خدا (ص) حضور دارند ولی در سریه ایشان شخصاً حضور نداشتند).

(۴) جریان منافقان کارشکن - سوره توبه - آیه ۸۱ و ۸۲ - گرمای تابستان ولی گرمای آتش جهنم بیشتر است، به سزای اعمالی که انجام داده‌اند باید که اندک بخندند و فراوان بگیرند.

(۵) گریه کنندگان - سوره توبه - آیه ۹۲ - درخواست وسیله سواری و توشه سفر می‌کردند و چون پیامبر نداشت - آنها گریه کنان و محزون بازگشتند. گناهی برای آنها نیست.

(۶) بهانه‌گیران منافق‌گونه - سوره توبه - آیه ۴۹ - جدین قیس - ترس از دیدن زنان آبی چشم رومی وسست شدن ایمانش و نهایتاً کم شدن اجرش و به گناه افتادن.

خداوند فرمود - آگاه باش که اینان خود افتاده‌اند و جهنم برکافران احاطه دارد. (۷) حدیث منزلت = جانشینی حضرت امیر (ع) در مدینه - پیامبر فرمودند: یا علی تو نسبت به من به منزله هارون هستی نسبت به موسی -

الا انه لا نبی بعدی.

(۸) داستان ابوذر غفاری - پیامبر فرمود - خدا ابوذر را رحمت کند: تنها می‌رود - و تنها می‌میرد - و تنها برانگیخته می‌شود.

(۹) نقشه ترور (عقیبه) - توسط ۱۲ نفر از منافقین و خائنین در بازگشت از تبوک نقشه ترور پیامبر خشتی شد.

(۱۰) مسجد ضرار - مسجدی که توسط ۱۲ نفر از منافقان ساخته شده بود - پیامبر در برگشت از تبوک دستور خراب کردن و سوزاندن آن مسجد را دادند.

(۱۱) سه گنهکار خوش عاقبت = سه فرد با ایمانی که با رسول خدا نرفته بودند - سوره توبه آیه ۱۱۸ - ستون ندبه -

(۱۲) مقام کارگر - در کتاب الحدیث جلد ۳ - صفحه ۲۱ به نقل از کتاب اسدالغایه جلد ۲

الگو و پرچم اسلام و جامعه دینی، کار و تلاش است.

ب - در رابطه با جبران و واکنش و عکس‌العمل کار و تلاش در اسلام، اینکه روشن و واضح است که کلیه اعمال و کارها و تلاشهای انسانها عیناً به خود آن فرد یا جامعه برمی‌گردد.

اگر جامعه‌ای، افراد آن انسانهایی پرتلاش و پرکار باشند، و در جهت انجام امور و کارهای خود نهایت سعی و کوشش را بنمایند و به طور مستمر در جستجوی تکنیک‌های جدید و کسب مهارت و تخصص باشند و اعتقاد به کار خود داشته باشند و به شغل و حرفه خود عشق بورزند

● کسی که کارش بر پایه علم و شناخت استوار نباشد، زیان و فساد عملش بیشتر از خیر و مصلحت است.

● اولین اصل برای یک کارگر و صاحب حرفه، داشتن تخصص و مهارت و علم آن حرفه است.

و برای ساختن ابزار و یا انجام کار احساس تکلیف و تعهد کنند؛ آن جامعه به سرعت در همه زمینه‌ها پیشرفت کرده و نهایتاً طعم رفاه و آسایش و فراغت و آقائی و خودکفائی و عدم اتکا به دیگران و استقلال را خواهد چشید.

ولی اگر خدای نخواست برعکس باشد و هرکسی کاری را برحسب وقت‌گذرانی و با بی‌دقتی و با بی‌مسئولیتی و نظایر اینها انجام دهد آن جامعه نه تنها روی استقلال و آقائی و آسایش را نخواهد دید بلکه افراد آن جامعه دچار انواع خصلت‌های غیرانسانی و غیرعاطفی می‌شوند. و این اصل اساسی خلقت است که هر فرد یا جامعه هر آن چه را می‌کارد همان را بدست می‌آورد. به آیات مبارکه زیر دقت فرمائید:

سوره زلزال (۹۹) - آیات مبارکه ۸ و ۷ - فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یروم من یعمل مثقال ذرة شراً یره

«پس هرکس به وزن ذره‌ای کار و تلاشی نیکو کرده باشد آن را می‌بیند و هرکس به وزن ذره‌ای کار و تلاش منفی انجام داده باشد آن را می‌بیند». این امر نه تنها از نظر اعتقادی و برحسب آیه مبارکه بالا بلکه از نظر علمی نیز ثابت شده است. سوره انبیاء (۲۱) - آیه مبارکه ۹۴

صفحه ۲۶۹ آمده است.

روی انس بن مالک ان رسول الله صلی الله علیه و آله لما اقبل من غزوة تبوک استقبله سعد الانصاری فصافحه النبي (ص) ثم قال له: ماهذا الذی اکتب یدیک؟ قال یا رسول الله اضرب بالمرء المسحاة فانفقہ علی عیالی فقیل یده رسول الله (ص) و قال هذہ ید لا تمسها النار

((انس بن مالک گفت موقعی که رسول اکرم از جنگ تبوک مراجعت می‌کرد، سعد انصاری به استقبال آمد. حضرت با او مصافحه کرد و دست سعد را زبر و خشن دید. فرمود: چه صدمه‌ای و آسیبی بدستت رسیده است؟ عرض کرد یا رسول الله، من با طناب و بیل کار می‌کنم و درآمدم را خرج معاش خانواده‌ام می‌نمایم و رسول اکرم دست او را بوسید و فرمود این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی‌کند)).

و در همین حال دست سعد را در میان جمعیت بالا گرفتند.

این حرکت و عمل رسول خدا (ص) یک حرکت ارزشی و بیان‌کننده‌ی ((سیاست‌گذاری ارزشی کار)) در جامعه اسلامی است.

بالا بردن دست یک کارگر، آن هم بعد از یک جنگ عظیم و بزرگ، یعنی بیان اینکه:



- فمن يعمل من الصالحات و هو مؤمن فلا كفران لسعیه و اناله کاتبون.
پس هرکس اعمالش نیکو و دارای ایمان است ستمش در راه دین ضایع نخواهد شد که ما آن را کامل می نویسیم.
در این آیه خداوند ثبت کننده و یادداشت کننده اعمال صحیح و کامل و شایسته انسانها می باشد.

(۳) سوره طه (۲۰) - آیه مبارکه ۱۱۱
- ومن يعمل من الصالحات و هو مؤمن فلا ینخاف ظلماً ولا مھماً
«هرکس به خدا ایمان دارد و اعمالش نیکو است از هیچ ستم و آسیبی نهراسد».
(۴) سوره مدثر (۷۴) - آیه ۳۸
- کل نفس بما کسبت رهینة
«هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است».

(۵) سوره نجم (۵۳) - آیات مبارکه ۴۱ و ۴۰ و ۳۹
- وان لیس للانسان الا ما سعی - وان سعیه سوف یری - ثم یجزیه الجزاء الاوفی.

و اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده ثوابی و جزائی نخواهد بود و البته انسان پاداش سعی و عمل خود را در دنیا به زودی خواهد دید، سپس در آخرت به پاداش کامل تری خواهد رسید.

ج - در مورد انگیزه کار در اسلام و نوع پاداش کار در اسلام باید گفت، که شاید در هیچ کدام از ادیان و مکاتب الهی و غیر الهی به اندازه اسلام پاداش برای کار و کارگر خوب در نظر گرفته نشده، به آیات زیر توجه کنید، و احادیث شریفه را مورد دقت قرار دهید:

- سوره بقره (۲) - آیه مبارکه ۲۵ -
- و یسر الذین امنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار کلما رزقوا منها ممررة رزقاً قالوا هذا الذی رزقنا من قبل و اتوا به متشابها و لهم فیها ازواج مطهرة و هم فیها خالدون -

«بشارت ده ای پیغمبر به آنان که ایمان دارند و کارها و تلاشهای صحیح و شایسته انجام داده اند، که به درستی بر آنان بهشت هایی است که در آن نهرها جاری است. و هرگاه از میوه های آن برخوردار شوند گویند: پیش از این در دنیا از چنین میوه هایی برخوردار شده بودیم، که این میوه ها شبیه به یکدیگرند و نیز در آنجا همسرانی پاکیزه دارند و در آنجا جاودانه باشند».

سوره مائده (۵) - آیه ۹ - (سوره فتح) (۴۸) -
آیه ۲۹

- و عدل الله الذین امنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة و اجر عظیم - (منهم مغفرة و اجر عظیماً).
«خداوند به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای نیکو و تلاش صحیح و شایسته انجام دهند وعده آمرزش و مزدی بزرگ داده است».
سوره نور (۲۴) - آیه ۵۵

- و عدل الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکنن لهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم منه بعد خوفهم انما یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون.

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای صحیح و کامل و خوب انجام داده وعده داد که آنها را در روی زمین جانشین دیگران کند هم چنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد و دینشان را که خود برایشان پسندیده است استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی کنند و آنها را که از این پس ناسپاسی کنند نافرمانند».

در صفحه ۶ پیرامون آیه قرائت شده توضیح داده شد.

(۱) فرد مؤمنی که کار نیکو و خوب انجام دهد و جامعه ای که صحیح العمل و درست کار باشد لیاقت و شایستگی خلافت و حکومت

بر زمین را حاصل می نماید.
(۲) تجربه تاریخی نیز همین را ثابت کرده است.

(۳) دو عامل اصلی پیشرفت و قدرتمند شدن هر جامعه عبارتند از:

(اول) - تعهد و ایمان (دوم) - تلاش و کار صحیح خوب

(۴) اگر فقط ایمان و تعهد داشته باشیم یا فقط تلاش و کارمان خوب باشد باز شایستگی جانشینی را نخواهیم داشت.

(۵) جامعه ای که این دو صفت و خصلت را داشته باشد آن جامعه از هیچ چیز وحشت ندارد.

(۶) جامعه ای که این دو صفت و خصلت را داشته باشد آن جامعه در امنیت و اطمینان خاطر خواهد بود.

(۷) جامعه ای که از افراد متعهد و کاری تشکیل شده باشد افراد آن جامعه در زمره بندگان خدایند.

(۸) جامعه ای که از افراد متعهد و کاری تشکیل شده باشد فقط به خداوند اتکال دارند نه کس و جامعه ای دیگر.

(۹) هر جامعه ای که بدانند کار و تلاش همراه با تعهد و ایمان باعث پیشرفت و استقلال است ولی انجام ندهد و عمل نکند آن جامعه از فاسقان و نافرمانی کنندگان است.

سوره تقوین (۶۴) - آیه مبارکه ۹
- من یؤمن بالله و یعمل صالحاً یکفر عنه

سیاته و بدخله جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها ذالک الفوز العظیم.

«هرکس در دنیا به خدا ایمان بیاورد و کار صحیح و سالم و شایسته کند خدا گناهاش را ببوشاند و در بهشت‌هایی که در آن نهرها جاری است داخل کند، که در بهشت جاودان مستنعم باشند. این کامیابی بزرگی است»:

(۱) ارزش و اهمیت کار خوب آن چنان است که باعث پاک شدن بدیهای گذشته می‌شود. **سوره کهف (۱۸) - آیه ۱۱۰** - در این آیه مبارکه عالی‌ترین انگیزه در نظر گرفته شده.

- فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احداً.

«هرکس دیدار پروردگار خویش را امید می‌بندد، باید کرداری شایسته داشته باشد و هرگز در پرستش خدا هیچ‌کس را شریک نسازد».

عالی‌ترین انگیزه برای عمل صحیح و کامل و شایسته ملاقات و دیدار معشوق است.

کتاب الحدیث - جلد ۳ - صفحه ۲۴ - انگیزه‌ها در فرهنگ اسلامی برای کار و کارگر.

روزی رسول اکرم با اصحاب خود نشسته بود، جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است. کسانی که در محضر آن حضرت بودند گفتند این جوان شایسته مدح و تمجید بود، اگر جوانی و نیرومندی خود را در راه خدایه کار می‌انداخت. رسول اکرم فرمود: این سخن را نگوئید اگر این جوان برای معاش خودکار و تلاش می‌کند که در زندگی محتاج دیگران نباشد، و از مردم مستغنی گردد او با این عمل در راه خدا قدم برمی‌دارد. هم چنین اگر کار می‌کند به نفع والدین ضعیف یا کودکان ناتوان که زندگی آنان را تأمین کند و از مردم بی‌نیاز سازد باز هم به راه خدا می‌رود. ولی اگر کار می‌کند تا با درآمد خود به تهی‌دستان مباحث نماید و بر ثروت و دارائی خود بیفزاید او به راه شیطان رفته و از صراط حق منحرف شده است.

آن چه از فرمایشات حضرت رسول اکرم (ص) استنباط می‌شود بهترین الگو برای چگونگی انگیزه و سیاست ارزشی کار و کارگری در اسلام است. که اصول آن عبارتند از:

- (۱) انگیزه کار برای خود به منظور رفع نیاز فردی و انگیزه کار و تلاش جمعی برای بی‌نیازی جمعی از جوامع دیگر از انگیزه‌های الهی است.
- (۲) انگیزه کار و تلاش برای خانواده و عائله و تأمین زندگی آنان و رفع نیازهای والدین از انگیزه‌های خداگونه است.
- (۳) انگیزه کار و تلاش برای رفع نیاز

- اگر در جامعه‌ای هرکسی کاری را برحسب وقت‌گذرانی و با بی‌دقتی و بی‌مسئولیتی یا نظائر اینها انجام دهد، آن جامعه نه تنها روی استقلال و آقائی و آسایش را نخواهد دید، بلکه افراد آن جامعه دچار انواع خصلتهای غیرانسانی و غیرعاطفی می‌شوند.

مستمندان و تهی‌دستان از انگیزه‌های الهی می‌باشد.

(۴) انگیزه کار و تلاش برای تفاخر و کثرت طلبی از انگیزه‌های منفی و شیطانی است.

(۵) کار و تلاش نمودن ولی کمک نکردن به رفع نیازهای عائله و فرزندان ضعیف نیز انگیزه غیرالهی است.

(۶) نداشتن انگیزه و جهت فکری کمک‌کردن به والدین نیز غیرالهی محسوب می‌شود.

کتاب الحدیث - جلد ۳ صفحه ۸ به نقل از مستداک جلد ۲ صفحه ۴۲۴

قال رسول الله (ص): الكاد علی عیاله كالمجاهد فی سبیل الله

«اگر کسی که برای زندگی عائله‌اش کار و تلاش می‌کند مانند اجر مجاهد در راه خداست»

مستدرک جلد ۲ - صفحه ۴۱۷

از رسول اکرم سؤال کردند: ای کسب الرجل اطیب

«پاکیزه‌ترین کارها کدام است؟»

قال رسول الله (ص) = عمل الرجل بیده.

«کار و تلاش یدی و محصول دسترنج»

غرورالحکم - ج ۳ - صفحه ۳۴۷ - حکمت ۴۶۹۰

قال امیرالمؤمنین (ع) - ثواب العمل علی قدر المشقة فيه

«پاداش کار به اندازه مشقت در آن است»

غرورالحکم - ج ۳ صفحه ۳۴۹ - حکمت ۴۶۹۸

قال امیرالمؤمنین (ع) - ثمن الجنة العمل

● **برای رسیدن به هدف کامل، باید کار و تلاش همراه با علم و مهارت باشد والا به هدف نمی‌رسیم.**

● **محکم کاری نکردن و از روی سهل‌انگاری کاری را انجام دادن باعث دوری از رحمت خداوند می‌شود.**

الصالح «بها و پاداش بهشت - کار صالح است»

(۱) کار صالح باعث بهشتی شدن افراد می‌شود.

(۲) جبران کار صحیح و شایسته فقط بهشت است.

غرورالحکم - ج ۳ - صفحه ۳۵۰ - حکمت ۴۶۹۹

قال امیرالمؤمنین (ع) - ثقلوا موازينکم بالعمل الصالح

«سنگین کنید ترازوهای خود را با کار و تلاش صحیح و خوب»

(۱) در یک جامعه هرچه بیشتر کار و تلاش خوب انجام گیرد وزنه حرمت و استقلال آن جامعه سنگین‌تر می‌شود.

(۲) کار صحیح و کامل و شایسته رابطه مستقیم با قدرتمندی دارد.

غرورالحکم - جلد ۳ - صفحه ۳۵۰ - حکمت ۴۷۱

قال علی بن ابی طالب (ع) - ثوب العمل یخلدک و لایبلی و یبیکک و لایفنی

«جامه و لباس کار و تلاش، پاینده می‌دارد ترا و کهنه نمی‌شود و باقی می‌دارد ترا و فانی نمی‌شود.»

(۱) کار و تلاش پایه‌ی استقلال می‌باشد.

(۲) کار و تلاش موجب تازه‌ماندن جامعه است.

(۳) کار و تلاش موجب ادامه حیات جامعه است.

غرورالحکم - جلد ۳ - صفحه ۳۵۳ - حکمت ۴۷۱۴

قال علی بن ابی طالب (ع) - ثواب العمل ثمره العمل

«پاداش کار و تلاش میوه آن کار و تلاش است.»

(۱) رابطه‌ی پاداش و کار یک رابطه مستقیم است.

(۲) در جامعه‌ای که به کارگر پاداش و جبران

بقیه در صفحه ۷۱

